پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید بهشتی
سال ۲۶، شماره۱، صفحات ۳۶ -۳۳ (بهار ۱۳۸۱)

Original Article

بررسی ارتباط عزت نفس و میزان فراگیری مهارتهای مراقبت از خود در نوجوانان پسر ۱۵- ۱۱سال مبتلا به فلج مغزی

محمد علی حسینی* ، دکتر حسین کریمی **، کتایون طادی***

* کارشناس ارشد مدیریت و آموزش پرستاری و کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

** عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** کارشناس ارشد مدیریت پرستاری بهداشت جامعه

خلاصه

سابقه و هدف: *عزت نفس از فاکتورهای موثر در امر یادگیری است. کودکان مبتلا به فلج مغزی در امر یادگیری دچار مشکلات عدیده‌ای هستند، لذا برآن شدیم تا نقش عزت نفس را در این خصوص ارزیابی نمائیم.*

مواد و روشها: *این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است که در نوجوانان پسر ۱۵-۱۱ ساله مبتلا به فلج مغزی در مرکز بهزیستی کودکان و نوجوانان استان تهران در سال ۱۳۷۷ انجام گرفته است. ۲۸ نفر با توجه به معیارهای انتخاب نمونه برگزیده شدند که یکی از فاکتورهای این انتخاب میزان عزت نفس واحدها براساس تست کوپراسمیت بوده است. از این ۲۸ نفر، ۱۴ نفر دارای عزت نفس بالا و ۱۴ نفر دارای عزت نفس پایین بودند. از پرسشنامه کوپراسمیت و چک لیست مهارتهای مراقبت از خود برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. چک لیست مربوطه در دو مرحله یکی قبل از آموزش مهارتهای مراقبت از خود و سپس بعد از اجرای برنامه آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق به منظور تعیین پیشرفت فراگیری در هر گروه آزمایشی از آزمون t زوج و بمنظور مقایسه دو گروه از آزمون t مستقل استفاده شد.*

یافته ها: *گروه عزت نفس پایین در کل عملکرد مراقبت از خود از میانگین ۲۶/۲ به ۳۲/۷ رسیده است و گروه عزت نفس بالا از میانگین ۳۸/۲ به ۵۰/۷ رسیده است که اختلاف‌ها معنی‌دار می‌باشد. گروه عزت نفس بالا میزان فراگیری بیشتری در تمامی حیطه‌های مراقبت از خود بجز حیطه تغذیه نشان داد.*

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها: *آموزش موجب ارتقای عملکرد خود مراقبتی در هر دو گروه عزت نفس بالا و پایین گشته ، لیکن در گروه عزت نفس بالا این اختلاف از نظر آماری بیشتر از گروه دیگر است.*

واژگان کلیدی: *فلج مغزی ، عزت نفس ، خود مراقبتی*

مقدمه

موضوع فراگیری و روشهایی که فراگیری را بهتر و فعالتر می‌کنند یکی از مباحث مهم فرایند یاددهی- یادگیری است. مطالعات مختلف نشان می‌دهد جهت ارائه هر گونه آموزشی، به فراهم سازی بستر مناسب نیاز داریم تا فراگیری بطورمناسبتری صورت پذیرد. عوامل بسیار زیادی در امر فراگیری مؤثرند که یکی از مهمترین این عوامل عزت نفس می‌باشد.

سیف (۱۳۸۰) در این خصوص می‌نویسد : عوامل متعددی در آموزش و متعاقب آن یادگیری در فرد مؤثر است که اهم آن عبارتند از : انگیزه‌های فردی، تداوم برنامه، آموزش علاقه و نیاز به مطالب آموزشی، شیوه‌های بکار گرفته شده در آموزش، میزان عزت‌نفس و خود پنداشت فرد یادگیرنده (۱).

کوپراسمیت عزت نفس را به منزله مجموعه بازخوردها و عقایدی که افراد در روابط خویشتن با دنیای بیرون ابراز

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-23]

می‌کنند، تعریف کرده است. او همچنین معتقد است عزت نفس متغیر مهمی است که با عوامل مختلفی ارتباط داشته و بر رفتارهای آشکار فرد تاثیر می‌گذارد. عوامل زیادی از جمله سن، موقعیت اقتصادی و اجتماعی بر عزت نفس مؤثر شناخته شده است (۲).

عزت نفس و خودپنداشت در فراگیری یک فرد بخصوص در زمینه مهارتهای مراقبت از خود، عامل مهمی می‌باشد. آموزش مهارتهای مراقبت از خود یکی از نیازهای اساسی کودکان بخصوص افراد دارای محدودیتهای جسمی حرکتی است.

Wassemدر تحقیقات خود مشاهده کرده است، بیمارانی که تحت آموزش مراقبت از خود قرار گرفته‌اند در مورد بیماری و عوارض ناشی از آن نسبت به آن دسته که تحت آموزش نبوده‌اند، آگاهی و دانش بیشتری داشته و گروه آموزش دیده به نحو مؤثرتری از خود مراقبت نموده و کمتر دچار مشکلات و حوادث ناشی از بیماری می‌شوند. خود مراقبتی فرایندی است که بموجب آن افراد تعدادی از مراقبتهای بهداشتی را جهت تداوم زندگی، سلامت و بهداشت فردی انجام می‌دهند. این آموزشها شامل رفتارهایی است که فرد در رابطه با مراقبت از خود نظیر : تغذیه، پوشیدن لباس و انجام مراقبتهای بهداشتی انجام می‌دهد (۳).

با توجه به محدودیت‌های حرکتی کودکان مبتلا به فلج مغزی یکی از آموزشهای مهم و ضروری جهت ایجاد استقلال و خودکفایی این افراد، آموزشهای خود مراقبتی می‌باشد.

همه کودکان نیاز به یادگیری مراقبت از خود دارند به طوری که استقلال برای کودک از همه ابعاد دارای مزایای بسیار است. اول اینکه موفقیت‌های ابتدایی سبب افزایش موفقیت‌های آتی می‌شود، هیجان ناشی از توانایی انجام کارها، همراه با دریافت تشویق از جانب دیگران، سبب افزایش عزت نفس کودک می‌شود و میل به انجام کارهای بیشتر را در او بوجود می‌آورد. دوم اینکه هر چقدر کودک یادگیری‌های بیشتری داشته باشد و به تنهایی یاد بگیرد، والدین وقت بیشتری را برای فعالیتهای دیگر خواهند داشت. سوم اینکه هر چه کودک از استقلال بیشتری برخوردار گردد، عقب ماندگیهای او هم برای خود و هم برای دیگران کمتر جلوه می‌کند. آموزش خود مراقبتی برای کودکان بخصوص کودکان دارای معلولیت، از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به آمار بالای کودکان معلول توجه به این امر مهم بیشتر هویدا می‌گردد.

Shaha معتقد است حدود ۱۵-۵٪ از کودکان ۱۵-۳ ساله کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از معلولیت‌های مختلف مثل اختلالات حرکتی و معلولیت ذهنی رنج می‌برند(۴). بنابر آمار منتشر شده در سال ۱۳۷۰ توسط مرکز آمار ایران، حدود ۱۰٪ کل جمعیت کشور را معلولین تشکیل می‌دهند که تعدادی از آنان به فلج مغزی مبتلا هستند.

Barabas می‌نویسد : از آنجاییکه کودک مبتلا به فلج مغزی برای انجام کارهای خویش با مشکلات و محدودیتهای بسیاری روبرو است، هر نوع تلاشی که استقلال نسبی این کودکان را بدون حضور والدینشان تامین کند و دانش و توانایی آنان را گسترش دهد، مطلوب و پسندیده خواهد بود(۵).

بدون شک کودکان و نوجوانان مبتلا به فلج مغزی در ارتباط با امر یادگیری چه در امر مراقبتهای اولیه بهداشتی و چه در زمینه پیشرفت تحصیلی دچار مشکلات عدیده‌ای می‌باشند(۶). با در نظر گرفتن فاکتور عزت نفس که تاثیر بسزایی در امر فراگیری بخصوص در مورد کودکان دارای معلولیت دارد، محقق بر آن شد تا نقش عزت نفس را در میزان یادگیری مراقبت از خود کودکان مبتلا به فلج مغزی، در طی یک مطالعه مداخله‌ای، بررسی نماید.

مواد و روشها

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه تجربی است که در آن محقق متغیر آموزش خود مراقبتی را به افراد مورد پژوهش

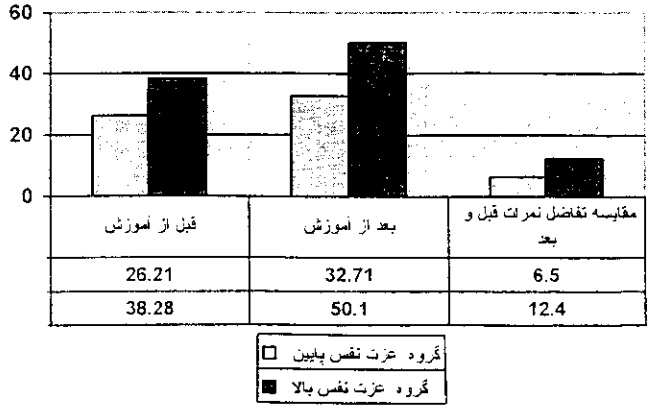
[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-23]

ارائه و سپس تاثیر آن را با میزان عزت نفس افراد مورد پژوهش مقایسه نموده است. جهت انجام پژوهش پس از کسب اجازه از مسئولین و موافقت افراد جهت شرکت در پژوهش، تعداد ۵۰ نمونه از جامعه مورد پژوهش (مرکز بهزیستی کودکان و نوجوانان استان تهران) بر حسب ویژگیهای مورد نظر پژوهشگر از جمله سن ۱۵-۱۱ سال، درجه معلولیت یکسان (اسپاستیک دایپلژی)، رتبه عزت نفس بر اساس آزمون عزت نفس کوپراسمیت بیشتر از ۳۵ یا کمتر از ۲۵ و بهره‌هوشی طبیعی انتخاب شدند. پس از بررسی‌های اولیه ، ۲۲ نفر از نمونه‌ها (نمره‌های حد وسط و نداشتن سایر ویژگیها) حذف شده و در نهایت ۲۸ نفر به عنوان نمونه‌های اصلی پژوهش انتخاب و به دو گروه با عزت نفس بالا (رتبه بالاتر از۳۵)و پایین (رتبه پایین‌تر از ۲۵) تقسیم شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها را پرسشنامه کوپراسمیت حاوی ۵۸ سؤال و چک لیست مهارتهای مراقبت از خود حاوی ۲۶ سؤال(۴ سؤال در حیطه تغذیه، ۸ سؤال در حیطه پوشیدن لباس، ۸ سؤال در حیطه درآوردن لباس و ۶ سوال مربوط به بهداشت فردی) تشکیل می‌دادند. پس از انجام آزمون اعتماد به نفس، چک لیست مربوط به ارزیابی خود مراقبتی توسط پژوهشگر کامل گردیده پس از آن افراد رتبه‌بندی شدند. سپس محقق به هر دو گروه عزت نفس پایین و بالا، آموزش خود مراقبتی را که شامل رفتارهایی در رابطه با مراقبتهای تغذیه‌ای، پوشیدن لباس و مراقبتهای بهداشت فردی است، در طی یک دوره ۶ هفته‌ای بصورت ۴ جلسه در هفته و هر جلسه ۱۲۰ دقیقه در طول روز ارائه نمود. سه هفته پس از پایان دوره آموزشی، مجددا از آنها آزمون خود مراقبتی به عمل آمده و میزان فراگیری در مقایسه قبل و بعد از آموزش مورد سنجش قرار گرفت. توانایی خود مراقبتی در این پژوهش در ۴ حیطه، در هر دو گروه با عزت نفس بالا و پایین مورد ارزیابی قرار گرفت. از آزمونهای t زوج و t مستقل برای ارزیابی‌های آماری استفاده شد.

یافته ها

پس از جمع‌آوری اطلاعات، یافته‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و انجام آزمونهای آماری توصیفی(جهت بیان ویژگیهای دموگرافیک افراد) و آزمونهای تحلیلی (جهت آزمون فرض) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی یافته‌های حاصل از این پژوهش، آزمون آماری t زوج میان عملکرد خود مراقبتی قبل و پس از آموزش در هر گروه بطور مستقل اختلاف معنی‌داری را نشان می‌دهد(۴/۱۹±۲۶/۲ درمقابل۳/۷±۳۲/۷ در گروه با عزت نفس پایین و ۱/۶۸±۳۸/۲ در مقابل ۱/۰۶±۵۰/۷ در گروه عزت نفس بالا). همچنین آزمون آماری t مستقل اختلاف معنی‌داری را در خصوص فراگیری مهارتهای مراقبت از خود بین دو گروه عزت نفس بالا و پایین بعد از آموزش نشان می‌دهد بطوریکه فراگیری مهارتهای مراقبت از خود در گروه عزت نفس بالا بیشتر از گروه دیگر بوده است(نمودار شماره ۱). لازم به توضیح است این تفاوت در تمام ابعاد مراقبت از خود (پوشیدن و در آوردن لباس و بهداشت فردی) بجز حیطه تغذیه از نظر آماری معنی‌دار بوده است.



نمودار۱- میانگین نمرات دو گروه در کل عملکرد مراقبت از خود در دو مرحله قبل و بعد از آموزش و مقایسه تفاضل نمرات آنها

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-23]

بحث

همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد آموزش خود مراقبتی موجب ارتقای عملکرد خود مراقبتی در هر دو گروه عزت نفس بالا و پایین گشته، لیکن در گروه عزت نفس بالا این اختلاف از نظر آماری بیشتر از گروه دیگر بوده است. یعنی گروهی که دارای عزت نفس بالاتر بوده فراگیری بیشتری نسبت به گروه دیگر داشته است. بنابراین در اینجا فرض پژوهش تحقق یافته است. مطالعات انجام شده در بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در کودکان طبیعی توسط سایر پژوهشگران از جمله جیمز باتل نشان می‌دهد عزت نفس و درک مثبت از خود عامل مهمی در میزان فراگیری‌های آموزشی است. کمبود اعتماد بنفس عامل مؤثری در افت تحصیلی این کودکان به حساب می‌آید. همچنین یافته‌های پژوهش تاییدی بر عوامل مؤثر بر آموزش بیان شده توسط سیف (۱۳۸۰) داشته و مبین این مطلب است که قبل از ارائه هر گونه آموزشی برای فراگیری هر چه بیشتر می‌بایست به عزت نفس افراد توجه نمود(۱).

با توجه به نتایج این پژوهش و نیز با در نظر گرفتن مشکلات عاطفی-روانی کودکان دارای محدودیت جسمی، توجه کافی به ارتقاء سطح اعتماد به نفس و درک مثبت از خود این کودکان قبل و حین ارائه هر گونه آموزشی، ضروری بنظر می‌رسد. این مهم توجه مسئولین را به امر ارتقاء سطح عزت نفس فراگیران (با تشکیل کلاسهایی خاص یا برقراری دوره‌ها و جلسات گروهی و فردی) برای یادگیری هر چه بهتر قبل از ارائه هر گونه آموزشی جلب می‌کند.

محدودیت های پژوهش

در این پژوهش تنها نوجوانان ۱۱ تا ۱۵ ساله با جنس پسر در نظر گرفته شده است چرا که سنین زیر ۱۱ سال قادر به پاسخگویی صحیح به سوالات پرسشنامه نمی‌باشند و از طرف دیگر در این مرکز بهزیستی تا سن ۱۵ سال را مورد آموزش و نگهداری قرار می‌دهند. از آنجائیکه این مرکز تنها پسران فلج مغزی را نگهداری می‌کند، جنس کنترل گردیده و در این پژوهش نمونه‌های فلج مغزی از نوع اسپاستیک دایپلژی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

وضعیت عاطفی و روانی واحدهای مورد پژوهش هنگام تکمیل پرسشنامه و همچنین عدم به کارگیری دقت کافی در پاسخگویی به سوالات می‌تواند نتیجه پژوهش را مخدوش نماید. همچنین تفاوت‌های فردی واحدهای پژوهش از نظر مهارت یادگیری بر روی امتیازات دریافتی تاثیر گذاشته که کنترل این موارد از عهده پژوهشگر خارج بوده است.

REFERENCES

۱- سیف، علی اکبر. ***روانشناسی پرورشی***. تهران موسسه انتشارات آگاه. ۱۳۸۰ :صفحه ۳۸۰.

۲- کوپر اسمیت ، س. **فهرست عزت نفس** . ترجمه پریرخ دادستان، ۱۳۷۱ : صفحه ۵۳۴.

3- Wassem R. A let of the rehabilitation between health locus of control and the course of multiple sclerosis. ***Rehabiliation Nursing*** 1999; 16 (4): 189-193.

4- Shaha PM. Prevention of mental handicaps in children in primary health care. ***Ball Word Organization***. 1991; 62 (6) : 779-89.

5. Barabas G. Care load for children and young adult with severe cerebral palsy . ***Dev Med Child Neurol*** 1992; 34: 979-80.

6- htpp \\: www. Self-esteem-nase.org / research.shtml:\Review of Self-Esteem Research - National Association for Self-Esteem NASE . htm

[Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-23]